

نتایج حمله متفقین به ایران

۱۰ شهریور ۱۴۰۰ ساعت ۲۰:۲۴

ضایعه دیگری که با اشغال ایران بر اقتصاد کشور وارد شد، افزایش حجم اسکناس در گردش بود. پیامد این موضوع در کوتاه مدت، افزایش تورم، احتکار به دلیل ترس از کمبود مواد غذایی و سایر ارزاق عمومی بود.

سوم شهریور، سالروز حمله متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰ می‌باشد. چند دهه پیش از این و در آخرین سال حکومت رضاشاه که به دنبال این حمله اتفاق افتاد، متفقین خاک ایران را به اشغال خود درآوردند. این اشغالگری، گذشته از آن که خرابیهای گسترده و مصیبت‌های اقتصادی به همراه داشت، در بعد نظامی و سیاسی نیز تبعاتی را بر کشور تحمیل نمود که نتایج و پیامدهای آن نه تنها منوط به آن سالها بود بلکه بر آینده سیاسی و اقتصادی کشور نیز تأثیر گذاشت که در این نوشته به برخی از این پیامدها اشاره میشود.

جنگ جهانی دوم و اشغال ایران

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ میان دو گروه از کشورها تحت عنوان متفقین و متحدین آغاز گردید. ایران به رهبری رضاشاه از همان ابتدا اعلام بیطرفی نمود، اما همواره از سوی مفقین متهم به همکاری با آلمانها بود. با این حال رضاشاه علیرغم آنکه به عدم ارتباط با آلمانها به متفقین اطمینان خاطر میداد، اما روابط حسنه‌ای نیز با آلمانها داشت. در نهایت وجود برخی از جاسوسان آلمانی در خاک ایران به درستی یا به دروغ، متفقین از جمله انگلیس را مصمم به اشغال نظامی کشور نمود. هرچند وجود جاسوسان تنها بهانه بوده و هدف اصلی، استفاده از مرزهای ایران جهت مقابله با آلمان بود. بدین ترتیب در روز سوم شهریور سال ۱۳۲۰ نیروهای متفقین به رهبری شوروی از شمال و انگلیس از جنوب، به ایران حمله و بعد از اشغال نظامی کشور، به سمت تهران حرکت نمودند. ورود متفقین به ایران چندین پیامد مستقیم نظامی، سیاسی و اقتصادی داشت. در بعد نظامی، اولین نتیجه، نابودی کامل ارتش بود.

فروپاشی ارتش

با حمله متفقین، ارتش ایران که رضاشاه برای تشکیل آن زحمت و هزینه زیادی صرف کرده بود، بدون کوچکترین مقاومتی از هم پاشید. نیروهای متفقین به خصوص انگلیسیها، «اهواز را بمباران و تعدادی از هواپیماهای ایرانی را در روی زمین از کار انداختند.» هر چند برخی از واحدهای ارتش ایران اندکی مقاومت نمودند، اما مقاومت آنان چندان به طول نینجامید و به سرعت درهم شکسته شد. سایر «واحدها نیز بلافاصله تسلیم شدند، برخی پادگانها را تخلیه و قوای امرشان را مرخص کردند و برخی دیگر گنج

و مبهوت منتظر دستورهای ستاد مشترک و فرماندهی کل قوا برای کسب تکلیف ماندند.»^۲

این وضعیت، در وهله اول امنیت و استقلال کشور را خدشه دار نمود؛ زیرا با فروپاشی ارتش، امنیت و اداره کشور به دست متفقین افتاد و اگر هم مقاومتی در برابر آنها وجود داشت نه از سوی ارتش، بلکه متکی بر نیروهای خودجوش مردمی در قسمتهای مختلف کشور بود.

اضمحلال و نابودی ارتش تنها به تأثیر امنیتی آن محدود نبود، بلکه تبعات اقتصادی سنگینی نیز به همراه داشت؛ زیرا رضاشاه بودجه عظیمی جهت تشکیل و تجهیز ارتش اختصاص داده بود که این بودجه در سال ۱۳۲۰، «چیزی بالغ بر ۵۹۲ میلیون ریال از هزینههای دولتی را تشکیل میداد.»^۳

مشکلات اقتصادی

علاوه بر نابودی ارتش، خسارات سنگین اقتصادی و نیز گرانی، کمبود مواد غذایی، دزدی و سایر مشکلات اقتصادی از دیگر نتایج حمله متفقین به ایران بود. گرچه عدد و رقم مشخصی از میزان خسارات اقتصادی این حمله در دست نیست، اما آنچه که مشهود است، حجم بالای این مشکلات میباشد. تخریب و نابودی بسیاری از زیرساختهای اقتصادی کشور بر اثر این حملات و تحمیل هزینه دوباره جهت بازسازی و یا ترمیم آنها از دیگر مشکلات مرتبط در این زمینه بود. علاوه بر این، هزینه نیروهای خارجی اعم از تأمین خوراک، سوخت و سایر ضروریات که از ایران تهیه میشد نیز هزینه مضاعفی بر اقتصاد کشور بود.

ضایعه دیگری که با اشغال ایران بر اقتصاد کشور وارد شد، افزایش حجم اسکناس در گردش بود. از آنجا که متفقین جهت تأمین مایحتاجشان نیاز به اسکناس داشتند، از دولت ایران درخواست چاپ اسکناس بیشتر نمودند که باعث افزایش حجم اسکناس در گردش شد. پیامد این موضوع در کوتاه مدت، افزایش تورم، احتکار به دلیل ترس از کمبود مواد غذایی و سایر ارزاق عمومی بود.^۴

پیامد سیاسی

صریح ترین پیامد سیاسی حمله متفقین به ایران، دخالت در تغییر نظام سیاسی و به تبع آن فروپاشی حکومت و برکناری رضاشاه از قدرت بود. به فاصله اندکی بعد از حمله متفقین، رضاشاه از قدرت برکنار و ابتدا به جزیره موریس تبعید شد و سپس به ژوهانسبورگ رفت و در همانجا درگذشت. اما دامنه دخالتهای متفقین و به خصوص انگلیس تنها به تغییر نظام سیاسی محدود نماند، بلکه تعیین شاه جدید و نیز برخی از مهره‌های سیاسی حکومت از دیگر موارد فروپاشی قدرت و حمله متفقین بود. بر این اساس ابتدا تصمیم بر آن شد که یکی از بازماندگان قاجار به عنوان شاه جدید انتخاب شود؛ اما در نهایت انگلیس که خود را کشوری دموکراتیک مینامید بدون توجه به خواست سیاسی مردم و یا طی مراحل قانونی جهت تعیین شاه و سایر افراد، محمدرضاشاه را به عنوان شاه و محمدعلی فروغی را به عنوان نخستوزیر به قدرت منصوب نمود. بدین ترتیب، انتصاب شاه و سایر افراد در مناصب مختلف سیاسی، به ابزار مناسبی جهت تأمین منافع انگلیس و بعدها آمریکا بدل گشت که به واسطه آن توانستند بسیاری از اهداف خود در ایران و خاورمیانه را به پیش برند.

البته این تغییر و تحولات سیاسی یک پیامد مثبت داشت و آن تعدیل قدرت به دلیل هرج و مرج و بیقانونی در کشور بود؛ بدین معنا که شاه جدید تا چند سال از ضعف سیاسی برخوردار بود که همین موضوع زمینه را جهت آزادیهای سیاسی و مدنی فراهم نمود.

هرج و مرج و بی قانونی:

هرج و مرج و بی قانونی از دیگر پیامدهای حمله متفقین به کشور میباشد. بخشی از این موضوع به درگیری های مردم به دلیل مشکلات اقتصادی بازمیگشت و برخی ناشی از درگیریهای قومی و مذهبی در کشور بود که همه اینها از عدم وجود قانون در آن شرایط متأثر بود.

تلفات نظامی و غیرنظامی

در رابطه با تعداد و میزان کشته های ایرانی نیز آمار دقیق و مشخصی در دست نیست؛ اما برخی از آمارها حکایت از کشته شدن چندین هزار فرد نظامی و غیرنظامی دارد. بسیاری از این افراد یا جز بدنه نظامی ارتش بودند که در اثر مقاومت کشته شدند یا جز غیرنظامیانی که بر اثر قحطی و گرسنگی، حملات هوایی و زمینی و یا مقاومت در برابر نیروهای اشغالگر کشته و یا به شهادت رسیدند.

بدین ترتیب با اشغال ایران و حاکم شدن متفقین بر کشور، سیاست داخلی و خارجی نیز تحت تأثیر اشغالگران قرار گرفت. گرچه بعدها دو کشور روسیه و انگلیس با انعقاد پیمان سه جانبه با ایران، متعهد گشتند که بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، ایران را تخلیه نمایند اما انگلیس توانست با انتصاب شاه، سیطره سیاسی و اقتصادی خود در دهه های بعد را نیز تحمیل نماید.

فهرست منابع

- ۱- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴، ص ۴۰۶.
- ۲- صادق زیباکلام، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ۱۳۲۰-۱۳۲۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۵۵.
- ۳- حسین بشیریه، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، گام نو، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص ۷۰.
- ۴- زیباکلام، همان. ص ۹۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/21185/ایران-متفقین-حمله-نتایج>